

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد

۲۷ جنوری ۲۰۱۶

جامعه ایران و انتخابات

اوضاع جامعه و انتخابات نظام های سرمایه داری از جمله ایران، به نفع سازندگان اصلی و اکثریت آحاد آن نیست. جلوه های بارز و روشن آن را می توان در زندگی، در نداری مردم و در فقر کودکان خیابانی دید. وجود میلیون ها معتاد و همچنین سیل عظیم فارغ التحصیلان بیکار، و انتخاب عناصر وفادار به نظم نابرابر، ارمغان نظام جمهوری اسلامی به جامعه ایران است. این نظام در سی و اندی سال، نه تنها کمترین خدمتی به جامعه و مردم نکرده است، بل و در عوض، انبوهی از تخریب و پایمال نمودن ارزش های انسانی، به تاریکی کشاندن زندگی مردم، رواج تبعیض و نابرابری ها و همچنین بالا کشیدن نعمات و اموال طبیعی، از خود بر جای گذاشته است.

بنابه شواهد عریان، نمی توان کمترین تصویری از سازندگی و بالندگی جامعه، از جانب سردمداران نظام، به بیرون ارائه داد. سران جمهوری اسلامی با تمام وجود، پا به پای سرمایه داران بین المللی، در پی نابودی زندگی میلیون ها کارگر و زحمت کش بر آمده اند و تا توانسته اند، غارت نموده اند و مرتکب جنایت گردیده اند. تاریخ و قانون همه نظام ها و از جمله نظام وابسته جمهوری اسلامی را اینگونه نوشته اند و بی دلیل هم نیست، که دار و دسته های رنگارنگ آن - و آنهم - در دوره های متفاوت، از یک سو، پیگیر سیاست های چپاول و سرگوبگرایانه نظام اند و از سوی دیگر، با اتخاذ سیاست های فریبکارانه، در صدد مقبول جلوه دادن رفتار و اعمال جناح های خودی اند. یکی از این شگردها و بساط ریاکارانه را، می توان در نمایشاتی همچون انتخابات، دید؛ انتخاباتی که مضامین و ثمره آن، جز تخریب زندگی میلیون ها انسان دردمند، و جز، رؤیت هر چه بیشتر جنگ بالائی ها به منظور پس زدن جناح های رقیب حکومتی - دولتی از قدرت سیاسی نیست.

با این اوصاف، جامعه ایران به دلیل تفاوت عظیم طبقاتی - و به ویژه در هنگامه انتخابات -، شاهد، شدت گیری تضاد عناصر و دار و دسته های درونی نظام می باشد؛ شدت گیری و تضادهائی که زمینه های مادی آن را، باید مربوط به آگاهی کارگران و زحمت کشان از سیاست های اجحاف گرایانه نظام دانست. در حقیقت و به بیانی دیگر، می توان گفت، که جنگ و مرافعه های درونی نظام، پایانی نداشته و نخواهد داشت، به هر اندازه، اوضاع بحرانی تر، و گفتمان اعتراضی، علنی تر و گسترده تر می شود، به میزانی به مراتب بالاتر، تضادهای درونی نظام، عریان تر و شاخ و شانه کشیدن های دم و دستگاه ها و ارگان های متفاوت نظام هم وسیع تر می شود؛ به این دلیل که جامعه زنده است و مردم در میدان اند؛ به این دلیل که میلیون ها توده، مخالف سیاست های نظری - عملی طبقه حاکمه اند. وجود هزاران

اعتراضات کارگری و دیگر اقشار محروم جامعه و همچنین مقابله آنان با کارفرمایان و صاحبان تولیدی، از جمله نمونه های بارز و زنده جامعه طبقاتی، همچون جامعه ایران است.

در پرتو چنین اوضاعی و کاملاً، برای سران نظام محرز است که مردم پشت آنان نیستند و مخالف سیاست های ارتجاعی آنان اند؛ می دانند که بدون کار بست سلاح و ارگان های سرکوبگر، دوامی نخواهند داشت، می دانند که بیش از این، سیاست های فریبکارانه شان، جایگاهی در ذهن میلیون ها انسان دردمند ندارد. دهه هاست که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی فضای جامعه ایران را برای میلیون ها انسان بسته و تنگ نموده اند و روز به روز، بر ابعاد بی عدالتی ها و بر دامنه بگیر و ببندها می افزایند. جان محرومان و قربانیان را به لب شان رسانده اند و مردم، از دست، این نظام و دولت های مدافع آن کلافه اند و بیش از این، حاضر به قبول سیاست های ظالمانه شان نیستند. سردمداران رژیم در این مدت تلاش بسیار زیادی نموده اند تا توجه و افکار عمومی را به سمت خود جلب نمایند، تا مبادا روز و روزگاری، سیستم و مناسبات حاکم بر جامعه دچار صدمات و لطمات جدی گردد. از دولت "سازندگی" بعد از پایان جنگ ایران و عراق گرفته، تا دولت "اصلاح طلب"، "مبارزه با مفسدان" و اخیراً "دولت تدبیر و اعتدال"، همه و همه، بیانگر این حقیقت آشکار است که سرکوب مدوام، فریب و به انحراف کشاندن افکار مردمی، از جمله سیاست های روتین و دغلکارانه ای ست که نظام سرمایه داری جهان و به ویژه نظام جمهوری اسلامی در مقابل خود قرار داده است. همه شان دورغ می گویند و با پُر انسان دوستی و با شگرد دفاع از حقوق انسانی جامعه و مردم را مرعوب می سازند. به ظاهر دغدغه همه شان، محترم شمردن به حقوق پایه یی کارگران و زحمت کشان است، در عمل، پیگیر سیاست های طبقه سرمایه داری اند. جنگ و دعوای شان، مبین دو منفعت طبقاتی متضاد از هم نیست و بی تردید و در این میان، منتسب نمودن وفاداران نظام از جمله "کلاغ"، "منافق" و ... از جانب «رفسنجانی»، «مصباح یزدی» و غیره، به همراهان چندین دهه شان، نه طبقاتی، بل، تظہیر چهره کریه خودی و سالم جلوه دادن قانون سراسر ارتجاعی نظام جمهوری اسلامی ست. بر همین اساس شاخ و شانه کشیدن های کنونی سران نظام را نمی بایست و نباید جدی گرفت و در هم سوئی نظری و یا در هم آرائی با جناح های به اصطلاح مغلوب حکومتی - دولتی بر آمد.

آری، انتخابات نظام جمهوری اسلامی و از جمله انتخابات پیشارو - خبرگان و مجلس - در چنین چهارچوبه و منفعتی مطرح است و توضیح و بررسی خلاف آن، چیزی جز انحراف و خاک پاشیدن به چشم کارگران و زحمت کشان نیست، پُر واضح است که مردم در چنین فضائی ذینفع نیستند و طبعاً، دعوای بالائی ها، بر سر دخالت بیشتر در قدرت سیاسی جامعه است و بدون کمترین تردیدی، ربطی، به دعوای پائینی ها با بالائی ها ندارد، با این تفاسیل کشتی بحران زده نظام به هر سمت و سوئی پهلو گیرد، سودی برای جامعه و مردم در بر نخواهد داشت.

به دیگر سخن و به تجربه دریافته است که نظام سرمایه داری و از جمله رژیم وابسته جمهوری اسلامی، نیاز به جابه جایی عناصر و جناح های متفاوت حکومتی به منظور دوام بیشتر مناسبات ظالمانه جامعه دارد. در نتیجه انتخابات - و در حقیقت انتصابات ایران - از زمره شوهای سیاسی و نمایش نامه هائی ست که می بایست در دوره های معینی، در پهنه ایران، گسترانده شود و افکار عمومی را با آنها سرگرم نمود؛ انتخاباتی که کمترین بو و نشانی، از انتخابات مردمی و دموکراتیک نبرده است و فقط و فقط، انجام فریضة سیاسی، تجدید دوباره ارگان هائی همچون مجلس و نخبگان سرمایه داری ست، به همین دلیل، این دست انتخابات، چیزی جز تقسیم و جابه جایی دوباره قدرت، مابین بالائی ها و مهمتر از همه اینها، جز روانتر نمودن سیاست های آتی نظام جمهوری نیست، فارغ از جار و جنجال ها و تنش ها، انگیزه و تلاش همه عناصر و سردمداران رژیم، حفظ و پایداری نظامی ست که جامعه را به تباهی کامل کشانده و زندگی را به میلیون ها توده محروم، تلخ نموده است.

بدون تردید هدف و انگیزه اساسی انتخابات پیشارو، آن است که به جامعه و به مردم بقبولانند، آرای آنان، دخالت و نقش اساسی در رشد جامعه و در سرنوشت زندگی شان خواهد داشت؛ هدف و انگیزه اساسی آن است تا افکار عمومی به سمتی سوق داده شود که می توان، با "انتخاب" عناصر "صالح" و "کاردان"، مسیر اوضاع فلاکت بار را، تغییر و دست عناصر بی صلاح و ناتوان را از شریان های اقتصادی - حکومتی کوتاه نمود!!

به هر رو انتخابات پیشارو، - خبرگان و مجلس - و بنابه تجارب تاکنونی، همان مسیر و روندی را در پیش خواهند گرفت که انتخابات تا به حال نظام جمهوری اسلامی پیشه خود ساخته اند. خط زدن صلاحیت خودی ها، و یا تأیید عناصر تازه، به معنای "پاکی" انتخابات نیست، تا مادامی که نظام سرمایه داری، بر جامعه ایران سیطره انداخته است، زندگی مردم وخیم تر و ماهیت "انتخابات سالم"، بی مایه تر و همچنین چهره کریه به اصطلاح مخالفان دولتی - حکومتی عریان تر می شود. مسلم است که علاج، نه در همسویی با شعارهای فریبنده عناصر و دولت هائی همچون رفسنجانی و دولت "تدبیر و اعتدال" روحانی، نه شرکت در بازی های نمایشی همچون انتخابات، بل افشای حقیقی ماهیت جانیان بشریت و تقابل عملی با انتصابات پیشاروی آنان می باشد؛ چرا که این دولت ها، عناصر حکومتی و نمایشات سیاسی شان، امتحان خود را پس داده اند و مستحق بر چیدن و نابودی اند و در عمل دریافته شده است، که سران نظام به همراه دار و دسته های رنگارنگ شان، نه تنها کمترین اعتنائی به خواسته های اولیه کارگران و زحمت کشان ننموده و نمی نمایند، بلکه با تمام قواء، به سرکوب آنان پرداخته و می پردازند.

بنابراین شرکت در انتصابات نظام جمهوری اسلامی، آگاهانه و یا ناآگاهانه، به معنای انتخاب سرمایه است و باید مدافع و پرچمدار انتخاباتی بود، که از سیاست و از منفعت کارگران و زحمت کشان و دیگر محرومان پیروی می نماید؛ باید مبلغ و مدافع نظامی بود که به دور از مضحکه های نمایشی، و به دور از به انحراف کشاندن افکار عمومی، از حقیقت و از علل ریشه ئی معضلات جامعه انسانی سخن به میان می آورد. خلاصه این که، انتخابات مجلس و خبرگان آینده، به هر سرنوشتی دچار شوند، زندگی مردم وخیم تر و روند جامعه به قهقرای بیشتری سوق داده خواهد شد. این خاصیت همه نظام های سرمایه داری و شوهای سیاسی همچون، انتخابات می باشد.

جنوری ۲۰۱۶

دی[جدی] ۱۳۹۴